آینه

آفتاب

**خوش‌آمد به خبرگزاری فارس**

● **محمدصادق جوادی‌حصار:** چندروزی هست که علی‌رغم تداوم فیلترینگ تلگرام، خبرگزاری اصولگرای فارس به تلگرام برگشته است؛ این اتفاق با این استدلال مدیرعامل این خبرگزاری صورت گرفته است که وزارت ارتباطات و قوه قضائیه، دو پیام‌رسان طلاگرام و هاتگرام را قانونی می‌دانند، بنابراین فعالیت در این پیام‌رسان‌ها، منعی ندارد. فارغ از اینکه آیا باید این استدلال را باور کرد یا خیر، بگذارید به بازگشت این خبرگزاری به تلگرام خوش‌آمد بگوییم و از آن استقبال کنیم. ما باید تلاش داشته باشیم تا در شرایط فعلی فضای تعاملی ایجاد شود و بگذاریم تا هرکس می‌تواند از این فضا استفاده کند. مدارا و تساهل در چنین شرایطی مفید است به‌هرحال فضای کشور فضای بسیار دشواری است. بگذارید پیوستن خبرگزاری فارس را به معنای ورود سایر رسانه‌ها و اشخاص سیاسی در آینده نه‌چندان دور به تلگرام تعبیر نماییم.

اما اینکه استدلال این خبرگزاری درباره چرایی بازگشتشان به تلگرام فیلترشده قانع‌کننده است یا خیر چندان مهم نیست. امیدوارم برای خود این خبرگزاری این استدلال قانع‌کننده باشد هرچند برای ما قانع‌کننده نباشد. نظر من این است که در شرایط فعلی نگاهمان را به ورود این خبرگزاری به تلگرام تغییر دهیم و کاری به این نداشته باشیم که این موضوع بیانگر شکست فیلترینگ تلگرام است یا خیر. آنها را از پیوستن به تلگرام پشیمان نکنیم.

ایران

**نفت، تحریم و راه فرار**

● **نرسی قربان:** درحال‌حاضر چالش اصلی در صنعت نفت به‌نتیجه‌رساندن مذاکرات با اتحادیه اروپا، چین، روسیه می‌باشد که عملا می‌تواند از بسته‌شدن درهای اقتصاد جهان در اثر فشارهای آمریکا، اسرائیل و عربستان جلوگیری کند و در چند ماه آینده از کاهش صادرات نفت ایران جلوگیری نماید. باید توجه داشت که پرداختن به این مهم نباید از تلاش برای جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و دستیابی به تکنولوژی‌های روز در این صنعت بکاهد. تمام کوشش و تجربه مسئولان باید به کار گرفته شود که با همدلی بر مبنای منافع ملی برای عملی‌شدن این هدف کوشش شود. ایجاد زیرساختارهای لازم برای جذب سرمایه و تکنولوژی پیشرفته در صنعت بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز از اولویت زیادی برخوردار است که نباید در سایه کوشش برای فروش نفت فراموش شود. قراردادهای نفتی می‌باید در شرایط فعلی ایران بازنگری و جذاب‌تر شود. شرکت‌های بزرگ از ایران رفته‌اند ولی شرکت‌های کوچک نفتی که به دنبال منافع خود هستند در شرایطی که قراردادهای برد- برد بر مبنای نوعی مشارکت در منافع را داشته باشند به ایران خواهند آمد. در این رابطه مسئولان باید با شجاعت و با درنظرگرفتن مشکلات روز قراردادی را پیشنهاد کنند که منافع ملی ایران را در شرایط فعلی و در درازمدت حفظ کند.

اعتماد

**اقتصاد آزاد انتخاب نخبگان منتخب شهروندان**

● **محمدصادق جنان‌صفت:** صرف‌نظر از اینکه عباس آخوندی در انتخاب نهایی اعضای شورای شهر رأی بیشتری به دست بیاورد و یا در هر شرایطی که او رأی حداکثری داشته باشد یا رقیب او بتواند از وی سبقت بگیرد تا همین جای کار یک چیز آشکار شده است: نخبگان ایرانی با چشم‌های باز به اقتصاد آزاد و برتری‌های راهبردی این روش و اندیشه اقتصاد بر اقتصاد دولتی و متمرکز و متروک و مطرود در دنیا رأی داده و به توانایی‌های اقتصاد رقابتی پی برده‌اند. واقعیت این است که نمایندگان شهروندان پایتخت‌نشین به این نتیجه قطعی رسیده‌اند زمان دفن اندیشه و عمل اقتصاد چسبیده به دولت که زاد و رشد رانت و فساد را در هر سازمان ازجمله سازمان شهرداری نهادینه خواهد کرد را باید دور انداخت. نهاد شهرداری اتفاقا به دلایل گوناگون باید از راهبرد تمرکز بر نهادها و سازمان‌های انحصاری وابسته به هر نهاد و سازمان دیگر دوری کرده و مقوله شریف رقابت را به‌مثابه برگ برنده برای دورریختن و سوزاندن ریشه‌های رانت و فساد را در دستور کار اجرائی در هر زمینه‌ای قرار دهد. روشن‌کردن چراغ پرفروغ رقابت و آزادی‌خواهی در مدیریت نهاد غیردولتی و متکی بر رأی و درآمدهای مردمی نقطه‌عطفی در اداره پایتخت خواهد بود. نخبگان برگزیده تهران‌نشینان آگاه می‌دانند که اندیشه‌های تمرکزگرایانه و بی‌اعتقاد به رقابت در امور اجرائی در همه ۱۲ سال فعالیت شهردار اسبق چگونه به مرگ رقابت و از دور خارج‌شدن بنگاه‌های اقتصادی خصوصی منجر شد و غول‌های تازه‌ای سر برآوردند. مزیت انتخاب اندیشه باورمند به اقتصاد آزاد و رقابتی این است که با شتاب به الگویی برای کلان‌شهرها و شهرداری‌های دیگر تبدیل خواهد شد و موجی از آزادی انتخاب و رقابت را به این نهاد شهروندان تبدیل خواهد کرد.

politics@sharghdaily.ir

صفایی‌فراهانی: با بازداشت من، تمام زندگی‌ام ارزیابی شد

# روحانی میراث‌دار یک دولت ویرانگر

عکس: سهند تاکی، شرق

**مهرشاد ایمانی: بحران مدیریت در کشور یکی از موضوعاتی است که پابه‌پای فشارهای خارجی کمر اقتصاد ایران را خم کرده است و برخی از مدیران برای پوشاندن ناکارآمدی‌های خود، تمام مشکلات این روزهای ایران را نتیجه تحریم‌ها می‌دانند؛ درصورتی‌که نبود شناخت و رعایت اصول علمی در ساختار مدیریتی کشور و تأثیردادن مناقشات فردی و جناحی بر منافع ملی باعث به‌وجودآمدن بخش مهمی از مشکلات فعلی شده است. محسن صفایی‌فراهانی، ا زمدیران باسابقه کشور، باور دارد مدیریت ناکارآمد، ماحصل نبود تفکر علمی در چند دهه است و اگر نیروهای سیاسی به ارتقای توان علمی مدیریت باور داشتند، اساسا مشکلات فعلی به وجود نمی‌آمد. برای بررسی بیشتر ساختار مدیریت از ابتدای انقلاب تاکنون، با محوریت نقش احزاب سیاسی در آن، ساعتی را با این فعال سیاسی و اقتصادی به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.**

**چالش‌های شدید اقتصادی یکی از مهم‌ترین مشکلات این روزهای مردم ایران است که هر روز بیش از پیش با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. برخی باور دارند علت اصلی چنین معضلی، فشارهای ناشی از تهدید به تحریم‌ها یا اعمال تحریم‌ها از سوی کشور آمریکاست. در کنار این موضوع، به نظر می‌رسد نبود ساختار منسجم مدیریتی، نیز کمتر از تحریم‌ها در ایجاد بحران معیشتی اثر نداشته است. وضعیت مدیریت سیاسی و اقتصادی برهه خاص کنونی ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

مشکلات عدیده در مدیریت سیاسی و اقتصادی به مقطع فعلی منتهی نمی‌شود. در پردازش این موضوع، باید بررسی شود مسئولان در چند دهه گذشته چقدر به مدیریت علمی اعتقاد داشته‌اند. متأسفانه در سال‌های پس از انقلاب، به‌هیچ‌وجه در مدارس به تربیت انسان‌های مسئولیت‌پذیر و آشنا به حقوق شهروندی توجه نشد و به‌جای آن، مسئولان آموزشی کشور ذهن دانش‌آموزان را از اعداد و ارقام ریاضی، فیزیک و شیمی پر کردند. از سوی دیگر، با حذف استادان دانشمند و توانا، دانشگاه‌ها به تشکیلاتی برای صدور مدرک تبدیل شد. با چنین سازوکاری در چند دهه اخیر از تربیت نیروهایی که بتوانند مدیریت کشور را در دست بگیرند، غفلت شد. تعدد بحران‌های موجود در جامعه بیانگر غفلت شدید از فرایند تربیت نیروهای انسانی و توجه به ظرفیت‌های آنهاست. بدیهی است بدون توجه به نیروی انسانی، بهره‌گیری از ثروت‌های زیرزمینی و ذخایر طبیعی راهگشا نیست. مشکلات امروز ایران تنها به یک عامل محدود نمی‌شود؛ بلکه در عرصه‌های مختلف اعم از اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، بانکی، صندوق‌های بازنشستگی، تولید، بازرگانی خارجی، بهره‌برداری از ذخایر زیرزمینی، مدیریت آب و خاک و... معضلات مهمی وجود دارد. وجود چنین بحران‌های متعدد و فراگیری حاکی از نبود دانایی و توانایی لازم در بدنه کارشناسی و مدیران بخش‌های مختلف کشور است. زمانی می‌توان از امکانات کشور به درستی و به نفع ملت استفاده کرد که مسئولان در بخش‌های مربوطه توانایی لازم و علم کافی را داشته باشند؛ درحالی‌که در اکثر بسترها، عرصه خالی از چنین مسئولانی است. این یک اصل کلی است که ما محصول بذری را که پاشیده‌ایم، درو می‌کنیم؛ بنابراین رفت‌وآمدهای اتوبوسی مسئولان و همراهانشان در همه این ادوار، نمی‌توانست نتیجه‌ای جز وضعیت فعلی را ایجاد کند. سال‌هاست که سیاست اتخاذشده در عرصه بین‌المللی به‌جای تعامل سازنده و منطقی، رویکردی تقابلی است. اگر اتخاذ چنین سیاستی معیار مسئولان است، چرا به موازات آن برای بالابردن توانایی‌های ملی اقدامی نکرده‌اند؟ سال‌هایی را که درآمد نفتی ایران بالای صد میلیارد دلار بود، به یاد بیاوریم؛ اگر در آن زمان سرمایه‌گذاری لازم برای تولید نفت و گاز صورت می‌گرفت، اگر به‌جای واردات کالاهای مصرفی با مبلغی بالغ بر ۷۰ میلیارد دلار در سال به حل گره‌های تولید پرداخته می‌شد و اگر مسئولان به‌جای مونتاژ خودروهای درجه‌سه چینی، در اندیشه ارتقای توان تولید و گسترش ظرفیت‌های تکنولوژی بودند، هرگز شرایط نامناسب فعلی را نداشتیم. آیا تابه‌حال فکر کرده‌ایم چرا کشورهای مختلف به‌راحتی می‌توانند ایران را تحریم کنند؟ زیرا ما هیچ نقش تعیین‌کننده‌ای در تجارت جهانی نداریم. امروز هزینه همه آن سوءمدیریت‌ها را مردم می‌دهند. جالب است بدانید بر اساس آمارهای بانک مرکزی، درآمد مردم ایران از سال۸۶ به بعد کاهش یافته است؛ این در حالی است که در سال‌های ۸۸، ۸۹ و ۹۰ ایران بالاترین درآمد نفتی سالانه تاریخ نفتی خود را تجربه کرد. اسم این نوع مدیریت را چه می‌توان گذاشت؟ در مدیریت امروز شرکت‌های بزرگ بین‌المللی برای فرایندهای بلندمدت برنامه‌ریزی دقیق می‌شود و در گذر زمان با ارزیابی‌های متعدد برنامه‌ها به‌روز می‌شوند. در کشور ما نه فرایند بلندمدت، نه میان‌مدت و نه کوتاه‌مدت وجود ندارد. متأسفانه روزمرگی در مدیریت کشور وجود دارد. سه سال دیگر قرن جدید آغاز می‌شود و ما از یاد برده‌ایم که روزگاری قرار بود شش برنامه پنج‌ساله را اجرائی کنیم؛ از یاد برده‌ایم که در این کشور سند چشم‌انداز ۲۰ساله‌ای هم وجود داشت.

نبود دانش مدیریتی باعث شد که رشد اقتصادی امسال و احتمالا سال آینده منفی باشد. باور کنید که ندانستن‌ها جای همه‌چیز را پر کرده است و اعتقادی به شیوه مدیریت علمی میان مسئولان وجود ندارد. در چنین معرکه‌ای کسانی در مرکزیت این دایره برای خود مأوایی گزیدند و توانستند همه امکانات را به تدریج در اختیار بگیرند و انحصار به‌وجود بیاورند. طبیعی است که نتیجه این اقدامات به‌انزوارفتن فعالان اقتصادی و تولید است که دیگر توان ایستادن و ادامه حیات ندارند.

**هنگامی که انحصار با نبود شفافیت مالی و اقتصادی همراه می‌شود، پدیده‌ای به نام فساد را ایجاد می‌کند. نبود تمایل به شفافیت در میان مدیران تا جایی پیش رفت که درنهایت مجلس با وضع قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، نهادهای مختلف را ملزم به شفاف‌سازی اقتصادی کرد؛ هرچند همان قانون نیز به‌طور کامل اجرا نمی‌شود. علت تمایل‌نداشتن اغلب مدیران به شفافیت چیست؟**

شفافیت زمانی معنا دارد که اصول ابتدایی مدیریت لحاظ شود. وقتی به کشور فنلاند نگاه می‌کنیم، بلندترین روز آنها ۷۳ شبانه‌روز و بالعکس بلندترین شب زمستان ۵۳ شبانه‌روز است. زمین در زمستان یخبندان و در تابستان باتلاقی است و طبیعت، نور، گرما و خاک حاصلخیز را از فنلاند دریغ کرده است. با این همه براساس ارزیابی‌های بین‌المللی مردم فنلاند از پیشرفته‌ترین ملت‌های روی زمین به حساب می‌آیند و این کشور تنها کشوری است که به لحاظ اقتصادی و اعتبار درجه «AAA» را دارد و مردم این کشور پربازده‌ترین نظام آموزشی جهان را دارند. چنین شرایط فوق‌العاده‌ای نتیجه توجه به نیروی خلاق در تکیه بر اندیشه و فکر سازنده انسان‌هاست. فساد نیز در این کشور در حداقل ممکن قرار دارد و اکثر ساختمان‌های دادگاه‌های فنلاند به کتابخانه تبدیل شده است؛ تمام اینها به این دلیل است که آنها روی توانمندسازی نیروی انسانی کارِ پیوسته کرده‌اند. کشور کره تا سال ۱۹۴۵ مستعمره کشور ژاپن بود؛ وقتی جنگ جهانی دوم به پایان رسید و ژاپن از آمریکا شکست خورد، کره از استعمار ژاپن بیرون آمد اما باز هم به آرامش نرسید زیرا تا سال ۱۹۵۴ جنگ کره شمالی و جنوبی در میان بود. از سال ۱۹۵۴ میلادی تاکنون، یعنی فقط در ۶۵ سال یک کشور تحت استعمار و جنگ‌زده به چنین قدرتی دست یافته است. کره‌جنوبی بدون هیچ نوع معادن زیرزمینی تنها با نیروی فکر و کار مردمش توانست به یکی از قدرت‌های اقتصادی بین‌المللی تبدیل شود؛ کشوری که تا سال ۱۹۸۰ تولید ناخالص ملی‌اش کمتر از ایران بود، اکنون بیش از سه برابر ایران تولید ناخالص دارد. در فضای سیاسی نیز مردم کره‌جنوبی به توفیقات بزرگی دست یافته‌اند؛ به‌نحوی که شاخص‌های دموکراسی در این کشور به میزان قابل قبولی در دنیا بالاست. آلمان نیز توانست در مدت کوتاهی بر خرابه‌های جنگ جهانی دوم اقتصاد نخست اروپا را بنا کند. برای تبیین جایگاه بااهمیت ظرفیت‌های نیروی انسانی، یک مثال تاریخی از ژاپن می‌زنم؛ دوره حکومت مِی‌جی، امپراتور ژاپن مصادف با پادشاهی ناصرالدین‌شاه در ایران بود. هر دو اینها در آن زمان به اروپا سفر کردند. مِی‌جی وقتی دانشگاه‌ها، صنایع، راه‌آهن و دیگر ابزار توسعه اروپا را دید، به ژاپن بازگشت و چهار تیم از نیروهای توانمند را به اروپا اعزام کرد تا نظام آموزشی، نظام پارلمانی، نظام صنعتی و ساختارهای حکومتی کشورهای اروپایی را به دقت بررسی کنند. این تیم‌ها پس از سه سال مطالعه گسترده به ژاپن بازگشتند و دستاوردهای خود را به مِی‌جی ارائه دادند. پس از بررسی گزارش‌ها در اولین اقدام، حکومت ژاپن به‌طور کلی روش نظام آموزشی سراسر ژاپن را تغییر داد و با ساخت ۸۰۰ مدرسه و هشت دانشگاه با استانداردهای اروپا در سراسر ژاپن توانست برای تربیت نیروی انسانی کارآمد، گام بزرگی بردارد. جالب است بدانید که ناصرالدین‌شاه پس از بازگشت از اروپا درخواست کرد تا مکانی مانند آلبرت‌هال لندن برای تعزیه‌خوانی (تکیه دولت) بسازند و برای زنان حرمسرای خود دامن‌هایی شبیه به رقصنده‌های غربی بدوزند! چنین تفاوتی باعث شد که امروز ژاپن با تکیه بر نیروی انسانی خود پس از چین بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی آسیا و در رده سوم جهان باشد.

**آسیبی که دولت احمدی‌نژاد به ایران زد، فقط اقتصادی نیست بلکه بی‌اعتمادی، دروغگویی، قانون‌گریزی، فساد گسترده و سقوط اخلاق اجتماعی را میان مردم گسترش داد و قبح آنها را در جامعه از بین برد که بی‌تردید خسارت چنین اتفاقی به‌مراتب خطرناک‌تر از بحران اقتصادی ایجاد شده است. البته بازداشت معاونان و اطرافیان او به دلیل فسادهای دولتی بر شدت این جریان افزود**

**پس از انقلاب در دوره جنگ و پس از آن در دوران سازندگی و اصلاحات نه به‌طور کامل بلکه به میزان نسبی عرصه مدیریت دارای انسجام بود. با روی‌کارآمدن دولت نهم بسیاری از ساختارهای مدیریتی در کشور از هم گسیخت و ناکارآمدی و نبود پاسخ‌گویی به امری عادی تبدیل شد؛ به تعبیر دیگر شاید بتوان گفت مدیریت سیاسی و اقتصادی پس از انقلاب به پیش و پس از احمدی‌نژاد تقسیم می‌شود. مسئولان دولت‌های نهم و دهم چه کردند که تا امروز رشته پاره‌شده تسبیح مدیریت در کشور دوخته نمی‌شود؟**

آقای احمدی‌نژاد همان کاری را کرد که شاه در سال ۵۳ انجام داد. دوران شکوفایی اقتصاد ایران به سال‌های ۴۲ تا ۵۲ بازمی‌گردد؛ سال‌هایی که سازمان برنامه که توسط مرحوم ابتهاج از سال ۱۳۲۷ شکل گرفت، توانست با تلاش و مدیریت خاص فردی مانند او، ارتباط نزدیکی با بانک جهانی برقرار کند و در درون خود یک تیم کارشناسی بسیار توانا به‌وجود بیاورد. ابتهاج توانست به همه بفهماند که پول نفت برای توسعه و نه برای خرج روزانه مملکت است. با این بدنه قوی کارشناسی و روی‌کارآمدن مدیران توانمند در رأس وزارت اقتصاد و وزارت دارایی و بانک مرکزی، سازمان برنامه ایران در طول ۱۰ سال توانست رشد اقتصادی مستمر بالای ۱۱درصدی و تورم زیر پنج درصد را تجربه کند که در دنیای آن زمان بسیار حیرت‌انگیز بود. علاوه بر این در آن سال‌ها بورژوازی ملی به معنای در اختیار قراردادن منابع به کارآفرین‌های کشور به خوبی رشد کرد.

شاه در سال۵۳، برخلاف توصیه عموم کارشناسان اقتصادی، به‌جای همه آنها تصمیم گرفت و باعث تخریب دستاوردهای گسترده اقتصادی ۱۰ساله شد. آقای احمدی‌نژاد نیز همین کار را تکرار کرد و بی‌توجه به توصیه اهل خرد و استادان اقتصاد، خود را دانای کل فرض کرد و خود را در «هاله نور» دید! او با گنجی عظیم مواجه شد که نه خودش و نه دولتمردانش هیچ درک و احساس مسئولیتی نسبت به آن گنج نداشتند. او به‌هیچ‌وجه به قانون، بودجه سالانه و به رعایت مقررات اعتقاد نداشت. وقتی منابع کشور دست چنین افرادی افتاد، نتیجه‌ای جز ویرانی انتظار نمی‌رفت. او بدون هیچ توجیه عقلانی بسیاری از مدیران لایق را کنار گذاشت و در کمال حیرت، سازمان برنامه و بودجه را منحل کرد؛ با چنین رویکردی، ناگهان بدنه کارشناسی مدیریت کشور تخریب شد. رئیس دولت نهم به ردیف‌های بودجه باور نداشت، او تصور می‌کرد باید گونی پول در دست گرفت و در میان مردم پول نقد پخش کرد! کمااینکه واقعا هم همین کار را انجام داد و در سفرهای استانی چک‌پول بین مردم توزیع می‌کرد. قرار بود هدفمندی یارانه‌ها منجر به صرفه‌جویی منابع انرژی و هزینه‌کردن درآمد حاصله برای طبقات آسیب‌پذیر و کمک به تولید شود که نه‌تنها این موضوع محقق نشد بلکه معضل جدیدی به‌نام یارانه همگانی (کمیته امداد سراسری) ایجاد شد. آنها با علم مدیریت غریبه بودند. البته وضعیت مدیریت کشور پیش از او ایده‌آل نبود، زیرا در دهه نخست انقلاب بسیاری از مدیران کشور بدون آنکه درباره عملکرد آنها بررسی دقیق شود، پاکسازی شدند اما به‌هرحال جوانان انقلابی آن روزگار در اواسط دهه ۸۰ به نیروهای باتجربه‌ای تبدیل شده بودند که می‌توانستند برای کشور مفید باشند و در دولت هفتم و هشتم نیز بهترین بازدهی بعد از انقلاب را داشتند اما دولت نهم، آنها را کنار زد و کشور را از بدنه کارشناسی و مدیریت تهی کرد. دولت آقای احمدی‌نژاد حساب ذخیره ارزی کشور را نابود کرد. وقتی دولت اصلاحات رفت، در حساب ذخیره ارزی بیش از ۱۵ میلیارد دلار وجود داشت و دولت‌های نهم و دهم با آن همه درآمد نفتی، نه تنها این حساب را بلکه خزانه ریالی را نیز با هزار میلیارد بدهی به دولت پس از خود تحویل دادند. با چنین عملکرد نابخردانه‌ای قطعا نخ تسبیح مدیریت پاره شده است و اتصال آن به‌راحتی انجام نمی‌شود.

**علاوه بر همه اینها اتفاق دیگری که در دولت احمدی‌نژاد رخ داد، شکسته‌شدن قبح فساد اداری بود که هنوز نیز به حالت قبل بازنگشته است. آیا با این موضوع موافقید؟**

بیایید از دولت عبور کنیم و یک مثال خیلی ساده‌تر بزنیم. اگر در خانواده‌ای با فوت ناگهانی پدر، پول زیادی به وراث برسد و عقلانیتی میان فرزندان آن خانواده وجود نداشته باشد، بی‌تردید آنها پول را حیف‌ومیل می‌کنند و چه‌بسا به فساد کشیده می‌شوند؛ زیرا پول زیاد در دست آدم عاری از فکر، فسادآور است. آسیبی که دولت آقای احمدی‌نژاد به ایران زد، فقط اقتصادی نیست بلکه بی‌اعتمادی، دروغگویی، قانون‌گریزی، فساد گسترده و سقوط اخلاق اجتماعی را میان مردم گسترش داد و قبح آنها را در جامعه از بین برد که بی‌تردید خسارت چنین اتفاقی به‌مراتب خطرناک‌تر از بحران اقتصادی ایجادشده است. البته باید گفت که بازداشت معاونان و اطرافیان او به دلیل فسادهای دولتی در سال‌های اخیر بر شدت این جریان افزود.

**احمدی‌نژاد در یکی از مناظره‌های انتخاباتی در سال ۸۸ شما را متهم به فساد مالی کرد. اکنون که تخفات مالی نزدیکان او در دستگاه قضا ثابت و برای برخی از آنها حکم نیز صادر شده است، شما چه احساسی دارید؟**

روز بعد از آن مناظره من با رسانه‌ها صحبت کردم و گفتم برای کسی که چهار سال رئیس دولت این کشور بوده است، متأسفم. اگر تخلفی بوده است، چرا رئیس دولت همه اسناد و مدارک را به قوه قضائیه تحویل نداد تا من را احضار کنند؟ اگر او باور به سلامت اداری داشت، چرا منِ مفسد (از نظر خودش) را به قوه قضائیه معرفی نکرد؟ متأسف شدم که چرا رئیس دولت باید مقاومت من در مقابل خواسته غیرقانونی او برای رئیس فدراسیون فوتبال‌شدن را این‌طور تلافی کند! واقعا تأسف خوردم که زیردستانش از او چه می‌آموزند! با بازداشت من در سال ۸۸ تمام زندگی‌ام ارزیابی شد و هیچ نکته منفی‌ای یافت نشد. احمدی‌نژاد در سال ۸۴ گفت که فهرست معوقات بانکی در جیبش است و اگر لازم باشد افشا می‌کند. درست می‌گفت، فهرست معوقات بانکی وجود داشت اما آن معوقات که حدود هفت‌هزار میلیارد تومان بود، (۶/۹ هزار میلیارد تومان) نتیجه ۸۰ سال بانکداری در ایران بود، درحالی‌که در هشت‌سال ریاست‌جمهوری او این رقم به ۹۰ هزار میلیارد تومان رسید. آیا او پاسخی به ملت ایران داد که چرا معوقات بانکی در هشت سالِ ریاست او بر دولت ۱۳ برابر ۸۰ سال قبل از مدیریت او شد؟ حقیقتا عملکرد دولت او منجر به سقوط واقعی مدیریت در کشور شد و باید گفت که حجم خسارت اقتصادی و اجتماعی که در دو دولت محمود احمدی‌نژاد بر کشور و ملت ایران تحمیل شد با هیچ دوره‌ای قابل‌قیاس نیست.

**قدری از احمدی‌نژاد گذر کنیم و به وضعیت مدیریت در دولت فعلی بپردازیم. حسن روحانی وعده داده بود که در طول دوره خدمتش بحران‌های دوره احمدی‌نژاد را تا حدی نسبی رفع کند و به این دلیل جبهه اصلاحات و اکثریت مردم ایران از او حمایت کردند. پس از گذشت قریب به شش سال همچنان بحران مدیریت در کشور وجود دارد. مشکل در سیاست‌های دولت فعلی یا در عملکرد مدیران است؟**

دولت روحانی میراث‌دار یک دولت ویرانگر بود که بدنه مدیریتی و کارشناسی کشور را نابود کرد و پس از چنین دولتی، دولت یازدهم دچار مشکلِ نداشتن بدنه کارشناسی و مدیران کارآمد شد. روحانی و تیمش اگرچه تلاش کردند که این مشکلات را رفع کنند اما توفیق قابل‌توجهی نداشتند. شاید یکی از اشتباهات این دولت استفاده بیش‌ازحد از نیروهای هم‌سن بنده بود. باید پذیرفت که کشور نیاز به مدیران نسل جدید با افکار نو و توانمندی و جسارت بالا دارد نه مدیرانی که به سن محافظه‌کاری رسیده‌اند و عاقبت‌اندیشی روی تصمیمات آنها تأثیرگذار است. از چنین مدیرانی انتظار هیچ تحولی را در شرایط موجود نمی‌توان داشت. البته شاید هم یکی از دلایل انتخاب آنها نبود اختیارات کامل باشد.

**چرا دولت چنین مدیرانی را برکنار نمی‌کند؟ اگر احمدی‌نژاد قدرت برکناری مدیران لایق را داشت، روحانی توانایی برکناری مدیران نالایق را ندارد؟**

صرف برکنارکردن همیشه جواب نمی‌دهد. اگر محدودیت‌ها وجود داشته باشد، چه‌بسا ممکن است انتخاب بعدی با رعایت اماواگرها نتیجه بدتری داشته باشد.

**چند روز پیش اسحاق جهانگیری گفت اختیار برکناری منشی خود را نیز ندارد. شاید او می‌خواست به کنایه بگوید که دولت اختیار واقعی در چیدمان مدیران ندارد. دولت با طرح چنین موضوعاتی قصد فرار از مسئولیت دارد یا آنکه واقعا تا این حد اختیاراتش محدود شده است؟**

وقتی بحران‌های فراگیر در تمام بخش‌ها به‌موازات هم ایجاد تنش می‌کنند، اداره کشور ویژگی خاص خود را می‌طلبد. عده‌ای معتقدند که در کشور مشکلی وجود ندارد و از کنار تمام کاستی‌ها با یک‌سری توجیهات عبور می‌کنند. متأسفانه اغلب مسئولان علاقه ندارند خلاف نظر آنها حرفی زده شود. مقامات در مقابل مسئولان رده‌های بالاتر در درون و بیرون جلسات دو روی متفاوت دارند؛ گاه پیش می‌آید که چنین مسئولانی در جلسات به مواردی رأی می‌دهند که به آنها باور ندارند. آنها در مقابل تصمیم‌گیران بالاتر شجاعت و جسارت گفتن نظرات کارشناسی و مدیریتی خود را ندارند. آنها در ارائه گزارش سعی می‌کنند طوری مطلب را ارائه کنند که آنچه موردنظر مقام بالاتر است، برآورده شود؛ برای اثبات این مدعا مردم می‌توانند صحبت‌های برخی از وزرا را در یکی، دو هفته اخیر مطالعه کنند تا دریابند که شجاعت در گفتن حقیقت وجود ندارد. واقعیت این است که بین حقیقت وجدانی مسئولان و آنچه از آنها خواسته می‌شود، تفاوت بسیاری وجود دارد.

**علاوه بر دولت، اصلاح‌طلبان نیز نشان دادند که در حوزه مدیریت از نیروی انسانی توانمندی برخوردار نیستند. شورای شهر تهران که یکی از نمودهای مدیریت کلان است در اختیار اصلاح‌طلبان است اما با تزلزل در انتخاب فردی شایسته نشان دادند توانایی چندانی در حوزه مدیریت ندارند. این مهم تا جایی پیش رفت که حتی برای نگه‌داشتن افشانی با مجلس وارد مناقشه شدند. چرا اصلاح‌طلبان خلاف شعارهایشان تا این میزان دچار بحران مدیریت شده‌اند؟**

به نکته خوبی اشاره کردید.

ادامه در صفحه ۱۵

خبر

جهانگیری:

## مردم شرایط دولت را درک می‌کنند

● **ایسنا:** معاون‌اول رئیس‌جمهور که روز گذشته به استان خوزستان سفر کرده بود، در حاشیه افتتاح خط دوم طرح آب‌رسانی غدیر با بیان اینکه مردم شرایط دولت را درک می‌کنند، گفت: «آمریکایی‌ها فشار وارد می‌کنند تا مهم‌ترین منبع درآمد دولت را که نفت است کاهش دهند و این مسئله قطعا روی برخی از پروژه‌ها اثرگذار خواهد بود». اسحاق جهانگیری ادامه داد: «با این فشارهای اقتصادی، اولویت‌بندی دولت برای اجرای پروژه تغییر نخواهد کرد و بخش آب جزء مهم‌ترین اولویت‌های کشور در بحث اجرای پروژه‌هاست تا تأمین منابع مورد نیاز آنها در دولت مورد توجه قرار بگیرد».

او افزود: «مردم آبادان و خرمشهر در تاریخ انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی برای ایران سنگ‌تمام گذاشته‌اند و هر میزان که برای آنها کار شود در مقابل فداکاری مردم این دو شهر ناچیز است و ما باید برای رفاه حال مردم در خرمشهر و آبادان کارهای بزرگی را انجام دهیم».

جهانگیری گفت: «یکی از مشکلاتی که در بحث استفاده از آب رودخانه کارون وجود دارد، بحث کیفیت آب آن است که مردم در برخی از مواقع با کیفیت مناسب مواجه نمی‌شوند و امکان استفاده از آن را ندارند. این مسئله از اوایل سال ۹۶ تشدید شد و در این زمینه از صبر و شکیبایی مردم دو شهر آبادان و خرمشهر تشکر و قدردانی می‌کنیم».

**دشمنان تنها با ایستادگی متوقف می‌شوند**

معاون‌اول رئیس‌جمهور همچنین در جمع مدیران شهر آبادان گفت: «ملت ایران از مردم آبادان و خرمشهر یاد گرفته است که می‌توان در یک مبارزه ظالمانه ایستادگی کرد و از آن سرفراز بیرون آمد».

اسحاق جهانگیری با بیان اینکه آمریکایی‌ها با بی‌اخلاقی تلاش کرده‌اند تا با تحریم کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم ایران نظیر دارو برای کشور مشکل ایجاد کنند، عنوان کرد: «این یک واقعیت است که دشمن، به‌ویژه دشمنان مستکبری نظیر آمریکا تنها با ایستادگی متوقف خواهند شد».

او با بیان اینکه ملت ایران اهل گفت‌وگو و تعامل، قائل به رعایت حق و عدالت و معتقد به استدلال و منطق بوده و هست، افزود: «مردم ایران در جریان مذاکرات هسته‌ای و تحریم‌های آمریکا پیروز دنیای اخلاق و سیاست شده‌اند، زیرا تنها رژیم صهیونیستی و چند کشور محدود از سیاست‌های آمریکا حمایت کرده‌اند و اکثریت کشورهای جهان، حتی کشورهای صاحب حق وتو به پایبندی دولت و ملت ایران به قواعد بین‌المللی و تعهدات خود رأی دادند». معاون‌اول رئیس‌جمهوری، گفت: «برخی‌ها تصور می‌کردند با این محدودیت‌ها ایران خفه خواهد شد و کارش تمام می‌شود، اما امروز و در پی به‌اتمام‌رسیدن دو دوره تحریمی آنان مشخص شد که آمریکایی‌ها در به‌صفررساندن فروش نفت ایران ناکام مانده‌اند و ما به هر میزان که نیاز داشتیم صادرات انجام دادیم».

جهانگیری افزود: «حتی کشورهایی که خرید نفت از ایران را متوقف کرده بودند توسط خود آمریکایی‌ها از قانون منع خرید مستثنا شدند. در تجارت خارجی نیز ما بدون وقفه در حال صادرات و واردات کالا و محصولات مورد نیاز هستیم، چنانچه خللی در جریان دادوستد کشور ایجاد شده بود، حتما مردم آبادان و خرمشهر نیز که شاهد مبادلات تجاری هستند می‌توانستند این اختلال را مشاهده کنند، اما این‌گونه نشد. ما در جابه‌جایی و نقل‌وانتقال پول نیز با مشکل مواجه نشده‌ایم، زیرا ایران کشوری بزرگ در منطقه و جزء ۲۰ اقتصاد برتر جهان است و نمی‌توان چنین کشوری را از چرخه اقتصادی جهان کنار گذاشت».

امیرولی‌وند

## دانشجویان و استادان دافوس در سوریه حضور مستشاری داشته‌اند

● **ایسنا:** فرمانده دانشگاه دافوس گفت: ما به‌صورت مستشاری، نیروهایی در سوریه داشته‌ایم که از تجربیاتشان در کلاس‌های دانشگاه استفاده می‌کنیم و این موضوع هم مربوط به دانشجویان دانشگاه ما می‌شود و هم به استادان که ما از هر دو گروه، نیروهایی را به‌عنوان مستشار در سوریه داشته‌ایم.

امیرسرتیپ حسین ولی‌وند در حاشیه همایش ملی تهدیدهای نوپدید ارتش در جمع خبرنگاران با بیان اینکه «دانشگاه دفاع ملی مأموریت‌محور است»، اظهار کرد: «درحال‌حاضر در دانشگاه دفاع ملی مشغول زمینه‌سازی برای تبادل استاد با دانشگاه‌های خارجی هستیم که این امر پیش از انقلاب انجام می‌شد و در پی آن هستیم که در شرایط فعلی هم این روند را پیگیری کنیم». وی افزود: عمده دانشجویان ما درک تجربی از دفاع مقدس ندارند و ما باید با استفاده از پیش‌کسوتان عرصه جنگ و دفاع مقدس این درک را به آنان منتقل کنیم، به‌ویژه که طیف کسانی که جنگ را تجربه کرده‌اند، به‌مرور کمتر می‌شود.

فرمانده دانشگاه دافوس اظهار کرد: ما در بحث بررسی مسائل مرتبط با جنگ تمام درگیری‌های جهانی و حتی رزمایش‌ها را هم رصد می‌کنیم؛ بنابراین جنگ سوریه، عراق، یمن، افغانستان و سایر کشورها را در کلاس‌های دانشگاه جنگ بررسی می‌کنیم.